

الف) ویژگی‌های شعر کلیم را در غزل بالا مشخص کنید.

۱- ابداع معانی ۲- خیال‌های رنگین ۳- آفرینش مضامین تازه ۴- تصویرهای بدیع شاعرانه ۵- استفاده ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره

ب) یک مجاز در بیت سوم مشخص کنید.

«سر» در مصراع اول بیت سوم، مجاز از «فکر و اندیشه» است. (قرینه = هوای شیرین را بردن)

درس نهم، استعاره

گاهی مجاز بر بنیاد شباهت استوار است و علاقه و پیوند بین معنای حقیقی و غیر حقیقی، علاقه‌ی «مشابهت» است؛ این نوع مجاز را، استعاره می‌گویند. **استعاره**، یعنی عاریت و وام گرفتن. در اصطلاح ادبی، استعاره، کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک است. به عبارت دیگر، اگر یکی از دو طرف تشبیه (مشبه یا مشبه‌به) را برگزینیم و طرف دیگر تشبیه را قصد کنیم، استعاره پدید آمده‌است؛ برای مثال:

با کاروان خُله برفتم ز سیستان با حله‌ی تنیده ز دل بافته ز جان «فرخی سیستانی»

در این بیت، فرخی دو بار کلمه‌ی خُله را به کار برده‌است. در مصراع اول خُله در معنای حقیقی (جامه‌ی حریر) به کار رفته و در مصراع دوم، آن را به قرینه‌های تنیده ز دل و بافته ز جان، در معنای غیرحقیقی (شعر) به کار برده‌است. دلیل آن هم شباهت این دو از نظر لطافت و نرمی جامه‌ی حریر و شعر بوده‌است. از سویی دیگر می‌توان گفت شاعر، شعر را در لطافت و نرمی به خُله تشبیه کرده و مشبه (شعر) را حذف نموده، مشبه‌به (خُله) را به جای آن آورده‌است.

همچنین در مثال:

آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد، نیست باد «مولوی»

در مصراع نخست، شاعر دو رکن اصلی تشبیه (آتش/ بانگ نای) را ذکر کرده؛ اما در مصراع دوم مشبه‌به (آتش) را آورده‌است که از آن به مشبه (عشق) پی می‌بریم. یا در بیت:

باز امشب ای ستاره‌ی تابان، نیامدی باز ای سپیده‌ی شب هجران، نیامدی «شهریار»

محبوب شاعر (مشبه) حذف شده و «ستاره‌ی تابان» و «سپیده‌ی شب هجران» (مشبه‌به) به جای آن آمده‌است. و در مثال‌های زیر نیز این کاربرد مجازی و عاریت گرفتن واژه‌ای به جای واژه‌ی دیگر را می‌بینیم.

شب را به بوستان با یکی از دوستان اتفاق مبیبت افتاد؛ موضعی خوش و خرم و درختان در هم؛ گفتمی که خرده‌ی مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریا از تاکش در آویخته.

«گلستان سعدی»

گل‌ها و سبزه‌های رنگارنگ (مشبه) حذف شده و به جای آن خرده‌ی مینا آمده‌است. همچنین خوشه‌ی انگور (مشبه) حذف شده و به جای آن «عقد ثریا» آمده‌است.

با تبدیل چهار رکن (تشبیه گسترده به دو رکن (تشبیه فشرده) و باز تبدیل دو رکن به یک رکن (استعاره)، زیبایی سخن بیشتر می‌شود و کلام رساتر و هنری‌تر می‌گردد.

به عبارت دیگر اگر از چهار رکن تشبیه، دو رکن (مشبّه و مشبّه‌به) باقی بماند، آرایه‌ی تشبیه داریم؛ اگر از دو رکن تشبیه فقط مشبّه‌به باقی بماند، به آن **استعاره‌ی آشکار (مصرّحه)** و اگر مشبّه، به همراه لوازم یا ویژگی‌های مشبّه‌به بیاید، **استعاره‌ی پنهان مکنیه** می‌گویند. به این نمونه دقت کنید:

گفتا که مرو به غربت و می‌بارید از نرگس تر، به لاله بر مروارید «نظامی»

در بیت بالا واژه‌های «نرگس»، «لاله» و «مروارید» در معنای اصلی خود به کار نرفته‌اند؛ بلکه به ترتیب استعاره‌ی آشکار از «چشم»، «چهره‌ی زیبا» و «اشک» هستند.

مثال دیگر:

تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من هیچ کس می‌نپسندم که به جای تو بود «سعدی»

سرو روان: استعاره از یار است.

به نمونه‌ای دیگر توجه کنید:

نه / این برف را / دیگر سر باز ایستادن نیست / برفی که بر ابرو و موی ما می‌نشیند. «شاملو»

برف، استعاره از موهای سفید است.

گاه ممکن است از پایه‌های تشبیه، فقط «مشبّه» (طرف اول) ذکر شود که در این صورت معمولاً یکی از ویژگی‌های «مشبّه‌به» نیز همراه آن می‌آید؛ برای مثال:

هزار نقش برآرد زمانه و نبوّد یکی چنان که در آیین‌های تصوّر ماست «انوری»

زمانه (مشبّه) به انسانی مانند شده و نقش بر آوردن که از ویژگی‌های انسان است، همراه مشبّه آمده

گاه در استعاره‌ی پنهان، مشبّه موجودی بی‌جان و غیر انسان و مشبّه‌به محذوف، انسان است که باعث پیدایش **شخصیت‌بخشی** یا **تشخیص** در کلام می‌شود؛ برای نمونه:

باغ سلام می‌کند، سرو قیام می‌کند سبزه پیاده می‌رود، غنچه سوار می‌رسد «مولوی»

در این بیت شاعر به «باغ»، **شخصیت انسانی داده‌است**، زیرا سلام می‌کند و سرو مانند انسان قیام می‌کند و سبزه و غنچه نیز رفتار انسانی دارند. مثال دیگر:

نفس باد صبا مشک‌فشان خواهد شد عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد «حافظ»

در نظر گرفتن نفس برای باد صبا و نسبت دادن صفت پیر و جوان به عالم، تشخیص و استعاره‌ی مکنیه است.

اگر غیر انسان «منادا» قرار گیرد، به این معنا است که آن را «انسان» پنداشته و به او ویژگی انسانی داده‌ایم؛ این نیز **تشخیص** است؛ مثال:

ای آبشار نوحه‌گر از بهر چیستی؟ چین بر جبین فکنده ز اندوه کیستی؟ «زینب النساء»

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیّار کجاست؟ «حافظ»

ای سرو پای‌بسته به آزادگی مناز آزاده من که از همه عالم بریده‌ام «رهی معیری»

بشکن دل بی‌نوی ما را ای عشق این ساز، شکسته‌اش خوش‌آهنگ‌تر است «سید حسن حسینی»

گاه نیز مشبّه‌به حذف می‌شود و یک ویژگی از آن به مشبّه اضافه می‌شود و به صورت ترکیب اضافی می‌آید. به این نوع اضافه، «**اضافه‌ی استعاری**» می‌گویند. ترکیب «رخ اندیشه» و زلف سخن» در بیت زیر چنین‌اند:

کس چو حافظ نگشود از رخ اندیشه نقاب تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند «حافظ»

خودارزیابی

۱- در بیت های زیر استعاره‌ها را مشخص کنید:

الف) کی‌ام؟ شکوفه اشکی که در هوای تو هرشب ز چشم ناله شکفتم به روی شکوه دویدم «اوستا»

پاسخ: چشم ناله و روی شکوه، اضافه‌ی استعاری و استعاره‌ی مکنیه هستند.

ب) ای باد بامدادی خوش می‌روی به شادی پیوند روح کردی پیغام دوست دادی «سعدی»

پاسخ: باد بامدادی، منادا شده و استعاره‌ی مکنیه است.

پ) ای گل تازه که بویی ز وفا نیست تو را خبر از سرزنش خار جفا نیست تو را «وحشی بافقی»

پاسخ: گل تازه، استعاره‌ی مصرّحه از معشوق است و سرزنش خار، اضافه‌ی استعاری و استعاره‌ی مکنیه است.

ت) هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید، در رهگذار باد نگهبان لاله بود «حافظ»

پاسخ: کاشتن مهر، استعاره‌ی مکنیه است.

ث) شب ایستاده‌است / خیره نگاه او / بر چارچوب پنجره‌ی من «سپهری»

پاسخ: شاعر به شب، شخصیت انسانی بخشیده و کارهای انسان را نسبت داده است؛ تشخیص و استعاره‌ی مکنیه است.

ج) آینه‌ت دانی چرا غماز نیست؟ ز آنکه زنگار از رخسار ممتاز نیست «مولانا»

پاسخ: آینه، استعاره‌ی مصرّحه از دل و زنگار، استعاره‌ی مصرّحه از هوا و هوس است.

چ) دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر کای نور چشم من، به جز از کشته ندروی «حافظ»

پاسخ: نور چشم، استعاره‌ی مصرّحه از فرزند و کشته استعاره از اعمال است.

۲- تشبیه بیت زیر را بیابید و از آن یک استعاره بسازید و در جمله‌ای به کار ببرید:

دگر باره خیاط باد صبا بر اندام گل دوخت رنگین قبا «ملک الشعرای بهار»

پاسخ: تشبیه: خیاط باد صبا (باد صبا به خیاط تشبیه شده‌است).

استعاره‌ی مکنیه: باد صبا، قبای رنگینی از گل و برگ، بر اندام درختچه‌ی گل دوخت.

۳- استعاره‌های آشکار را در بیت زیر بیابید و آنها را به یک تشبیه کامل تبدیل کنید.

صبحگاهی سر خوناب جگر بگشایید زاله‌ی صبحدم از نرگس تر بگشایید «خاقانی»

پاسخ: استعاره‌های مصرّحه (آشکار): زاله‌ی صبحدم: استعاره از اشک / نرگس تر: استعاره از چشم

تشبیه: اشک چون ژاله‌ی صبحدم را از چشم چون نرگس تر سرازیر کنید.

۴- ویژگی‌های شعر کلیم کاشانی را در بیت زیر بیابید و وزن و واژه‌های بیت را مشخص کنید:

ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم اول و آخر این کهنه کتاب افتاده‌ست «کلیم کاشانی»

پاسخ: ویژگی‌های شعر کلیم: تشبیه این جهان، به کتابی کهنه که اول و آخر آن افتاده‌است، یک مضمون ابداعی و تازه در شعر اوست.

وزن و واژه‌ها: فاعلاتن فاعلاتن فعلاتن فعلن

پایه‌های آوایی: ما ز ا غا | ز ز ا ن جا | م ج هان بی | خ ب ریم

ا و ل ا خ ر این کُ ه ا ن ک ت ا ب ف ا ت ا د س ت

کارگاه تحلیل فصل سوم

1- غزل زیر را بخوانید و موارد خواسته شده را پاسخ دهید.

جان به لب داریم وهمچون صبح خندانیم ما	دست و تیغ عشق را زخم نمایانیم ما
از سیاهی داغ ما هرگز نمی‌اید برون	در سواد آفرینش آب حیوانیم ما
پشت چون آینه بر دیوار حیرت داده ایم	واله خارو گل این باغ وبستانیم ما
از شبیخون خمار صبحدم اسوده ایم	مستی دنباله دار چشم خوبانیم ما
خرقه از ما می‌ستاند نافه‌ی مشکین نفس	از هوا داران آن زلف پریشانیم ما
حلقه‌ی چشم غزالان حلقه‌ی زنجیر ماست	دائم از راه نظر در بند و زندانیم ما
گر چراغ بزم عالم نیست صائب کلک ما	چون زبخت تیره دائم در شبستانیم ما

الف) ویژگی‌های شعر صائب رادر غزل بررسی کنید.

شعرفوق در قالب غزل است اما در اصل مفرداتی در کنار هم قرار گرفته و به وسیله‌ی قافیه وردیف به هم گره خورده اند وجود مضامین هنر مندانه و تصویر سازیهای خلاقانه، ترکیبات تازه، (سواد آفرینش، مستی دنباله دار، نافه‌ی مشکین نفس و...) استعاره‌های زیبا (دست عشق، تیغ عشق) و تشبیهات بدیع

ویژگی‌های این غزل: استفاده از اصطلاحات عامیانه (پشت دادن و جان به لب داشتن)، تخیلات بسیار دقیق و ظریف (از سیاهی داغ...، تشبیهات بدیع (سواد آفرینش، آب حیوانیم ما، پشت چون آینه بر دیوار حیرت، مستی دنباله دار چشم خوبانیم ما، حلقه‌ی چشم غزالان، حلقه زنجیر ماست، کلک ما چراغ بزم عالم)، تلمیح به اعتقادات مذهبی در مضمون سازی (اب حیوان)، خیال پردازی‌های شاعرانه و تحیر و ندیدن واقعیت (پشت چون آینه...، تناقض بین حالات عاشقانه و عارفانه (از شبیخون بلا اسوده بودن)، به کار گیری کنایه و پیچیدگی‌های لفظی (خرقه از مامی ستاند...، ترکیبات نا مانوس و دور از ذهن (شبیخون خمار صبحدم)، مضمون سازی در عالم طبیعت و ذهن (شبیخون خمار صبحدم)، توجه به احوال شخصی، معنی پردازی و عدم توجه به لفظ، باریک اندیشی و تصاویر دور از ذهن اعتقاد به بخت و تقدیر و جبر گرایی (گر چراغ بزم...))

ب) شعر را از نظر زیبایی شناسی تحلیل نمایید.

بیت اول: جان به لب داشتن: کنایه از تمام شدن طاقت و به ستوه آمدن، مراعات نظیر: دست، جان، لب / تیغ، زخم استعاره مکنیه و تشخیص: (دست عشق، خندیدن صبح)، تشبیه: (ماهمچون صبح خندانیم ما، زخم نمایان هستیم، تیغ عشق تشبیه فشرده) واج آوایی: (مصوت آ)

بیت دوم: تلمیح: به آب حیات سواد آفرینش، تشبیه فشرده: سواد سیاهی، ایهام تناسب: در واژه‌ی سواد، (با سیاهی تناسب دارد)

بیت سوم: پشت دادن بر دیوار: کنایه از تکیه دادن اصطلاح عامیانه تشبیه: ما چون آینه پشت به دیوار داده ایم، دیوار حیرت: تشبیه

فشرده پشت دادن آینه (تکیه دادن): تشخیص واستعاره مکنیه، باغ وبستان: استعاره مصرحه از جهان

خاروگل: استعاره از زشتی ها و زیبایی های جهان، مراعات نظیر: خار، گل، باغ، بوستان تناقض: آسودگی از شبیخون چشم خمار و دنبال مستی چشم خمار بودن تناسب: واله وحیرت، واج آرای: مصوت آ، تضاد: بین گل و خار
بیت چهارم: واج آرای: در مصوت کسره، تناقض: از شبیخون آسوده بودن، شبیخون خُمار: تشخیص واستعاره مکنیه
بیت پنجم: خرقة: استعاره از ظواهر دنیایی، خرقة ستاندن: کنایه از ترک ظواهر دنیایی، هوادار: کنایه از عاشق
 نافه: مجاز از آهو، نافه ی مشکین نفس: استعاره از معشوق، حسن تعلیل دربیت
بیت ششم: حلقه: جناس تام زنجیر: مجاز از زندان و اسارت، تشبیه: حلقه ی چشم غزالان به حلقه ی زنجیر اسارت
 در بند بودن: کنایه از گرفتار و اسیر بودن، حلقه زنجیر، بند: مراعات نظیر، غزالان: استعاره از زیبا رویان
بیت هفتم: کلک: مجاز از شعر، شبستان: استعاره از گرفتاری های دنیوی، چراغ: نماد هدایت کننده، بزم عالم: تشبیه فشرده
 روح و جسم: تضاد، مراعات نظیر: تیره، چراغ و شبستان، بخت تیره: حسامیزی، حسن تعلیل: شاعر شعرش را مانند چراغی در دنیا راهگشا
 نمیداند چون خود را گرفتار بخت تیره است.

پ) وزن شعر را بنویسید .

جان ب لب دا اری م هم چن ا صبح خن دا نیم ما
 دس ت تی غ ا عشق را زخ ا م ن ما یا ا نیم ما
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن، بحر رمل مثنی محذوف

2- متن زیر را از نظر زیبایی شناسی و ویژگی های فکری بررسی نمایید.

«مجموعه ای می بایست از هر دو عالم روحانی و جسمانی که هم محبت و بندگی به کمال دارد وهم علم و معرفت به کمال دارد تا بار امانت مردانه و عاشقانه در سفت جان کشد».

زیبایی شناسی: سفت جان: استعاره مکنیه و تشخیص، تکرار: به کمال دارد، بار امانت: تشبیه فشرده و تلمیح به آیه ی امانت سوره احزاب
 آیه ۷۲ و پذیرش امانت الهی، تضاد: روحانی و جسمانی، مراعات نظیر: علم و معرفت
ویژگی فکری: با محتوایی عرفانی بیانگر بعد روحانی در انسان است که او را از سایر موجودات برتر ساخته و شایستگی پذیرفتن بار الهی
 خلیفه الهی و امانت عشق را به او داده است.

درس دهم: سبک شناسی قرن های دهم و یازدهم – (سبک هندی)

محدوده زمانی سبک هندی: از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم قمری به مدت ۱۵۰ سال در تاریخ ادبیات ایران رواج داشت.

موضوع های شعر این دوره: شاعران این دوره به دو علت به موضوع هایی مثل اندرز، مضمون آفرینی و باریک اندیشی روی آوردند:

۱- حکومت صفوی به شعر مدحی و درباری و عاشقانه بهایی نمی داد. ۲- و از طرف دیگر با آموزه های سنتی عرفانی در تضاد بود.

یکی از ویژگی های شعر این دوره: خارج شدن شعر از حوزه تصرف شاعران با سواد و آگاه به فنون ادب و روی آوردن عامه مردم، بازاریان و پیشه وران بود. این ویژگی از دو جهت اهمیت دارد:

الف- فایده یا نقطه قوت این تحول: این تحول از آن جهت که شعر را به میان عامه مردم برد و با مضمون ها و قلمروهای تازه ای روبه رو کرد؛ سودمند بود.

ب- عیب یا نقطه ضعف این تحول: از آن رو که افراد کم اطلاع و عامی به شعر روی آوردند و آن را از استواری و سلامت پیشین خود دور ساختند، برای آینده ادبیات زیان بار بود.

ویژگی های شعر این دوره در سه قلمرو عبارتند از: